

مقدمه

پژوهش، فعالیتی است نظامند که با هدف تولید دانش و و کشف روابط علی میان متغیرها و پاسخ پرسش‌هایی پیرامون موضوعی خاص سامان می‌گیرد. از آنجایی که رشد شاخص علم و پژوهش در هر جامعه‌ای، رابطه مستقیم با میزان و کیفیت پژوهش و پژوهشگران آن جامعه دارد، ساماندهی و روشمندی تحقیقات و پژوهش‌ها، اولویتی اجتناب‌ناپذیر در فرایند توسعه، یافته است. در تعریف پژوهش آمده است: «پژوهش، پردازش اطلاعات است با فرایند نظامند، متعلق به گستره خاصی از علوم، دارای هویت جمعی و متضمن نوآوری» (فراملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۹). امروزه، هر شاخه‌ای از علوم گوناگون، نیازمند روش و شیوه خاصی است که بتوان مطابق آن، اهداف مورد نظر آن علم را دنبال کرد. روش تحقیق در سامان رساندن پژوهش‌ها و تحقیقات امری ضروری و بایسته است. «روش تحقیق» در همه علوم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا اگر محقق بتواند این روش‌ها را برای دستیابی به واقعیات مورد جست‌وجو، درست شناسایی کند، سریع‌تر و بهتر می‌تواند به اهداف مورد نظر دست یابد. اما اگر برای دستیابی به مجهول مورد نظر، «روشمند» عمل نکند و یا «روش» نداشته باشد، و یا نتواند متناسب با آن علم، روشی مناسب را شناسایی و انتخاب کند، نه تنها در طی پژوهش‌های خود واقعیات را کشف نخواهد کرد، بلکه چه‌بسا ممکن است از مسیر درست منحرف شود.

اصولاً، «روش» مجموعه ابزارهای شناختی نظام‌مندی است که افراد برای شناخت بهتر جهان پیرامونی و کشف مجهولات خود به کار می‌گیرند. در یک معنای عام، روش سازوکارهایی است که افراد برای نیل به هدفی مشخص به کار می‌گیرند. عموماً ما در انجام کارهای روزه مره خود، ابتدا طرح و قالب کلی کار را ترسیم کرده، پیرامون آن اندیشیده، راهکارها و سازوکارهای عملی نیل به آن را ترسیم و براساس آن عمل می‌کنیم؛ اینکه چگونه باید رفتار کنیم، چگونه رابطه برقرار کنیم، چگونه رفتارهای خود را تنظیم کنیم، امور را روشمند و نیل به اهداف را آسان می‌کند. بنابراین، تحقیق روشمند، انتخاب روش، و نیز انتخاب روش متناسب با علم، امری ضروری و بایسته است.

بهره‌گیری از «روش» در همه علوم، به‌ویژه علوم انسانی امروزه به یک فرهنگ تبدیل شده، و اساساً، به سامان رساندن تحقیقات، بدون اتخاذ روش مناسب عملاً تحقیقات را با مشکلاتی فراوان مواجه ساخته، غیرقابل اعتماد می‌سازد. برای نمونه، در تدوین و نگارش مقالات و آثار علمی، اولین سؤالی که مطرح است اینکه شما قرار است چه چیزی را بنویسید و به اصطلاح بسازید؟ طراحی اولیه آن باید ابتدا در ذهن ساخته شود. شما به عنوان یک محقق، قرار است پایان نامه بنویسید، یا مقاله

جایگاه و قلمرو پژوهش کیفی؛

نقد و بررسی

fooladi@iki.ac.ir

محمد فولادی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)

دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱ - پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۶

چکیده

این پژوهش با رویکرد نظری و تحلیل اسنادی به بررسی جایگاه، ویژگی‌ها، قلمرو، تکنیک، روش، معایب و مزایای پژوهش‌های کیفی می‌پردازد. تنوع موضوعات و مسائل در تحقیقات اجتماعی، موجب شده است تا محققان روش‌های گوناگونی را با هدف کاهش ضریب خطای این پژوهش‌ها، تجربه کنند. از این رو، روش‌های پژوهش مختلفی بوجود آمده است و هر یک در نوعی از تحقیقات کاربرد دارند. یکی از این روش‌های پژوهش، پژوهش کیفی است. این مقاله، با بررسی پژوهش‌های کیفی، بر این باور است که در بسیاری از موضوعات و مسائل، چاره‌ای جز بهره‌گیری از روش‌های کیفی نیست. در برخی موارد، پژوهش‌های کمی کاربرد دارند، اما در موضوعات بسیاری چاره‌ای جز بهره‌گیری از روش‌های کیفی وجود ندارد. هر چند این پژوهش‌ها برخوردار از مزایای بسیاری است، اما دارای معایبی نیز هست. این مقاله، به بررسی روش‌های پژوهش کیفی و ارزیابی آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: پژوهش، روش کیفی، قلمرو پژوهش کیفی، تکنیک، جمع‌آوری اطلاعات.

این مقال، با این رویکرد، و با هدف معرفی قلمرو پژوهش‌های کیفی، ویژگی، مزایا و یا معایب آنها تدوین یافته است. به نظر می‌رسد، مجموعه فرهنگ دینی حاکم بر جامعه اسلامی، و پدیده‌ها، موضوعات و مسائل نوظهور در جامعه اسلامی، بویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه تحقیقات و پژوهش‌های کیفی را دوجندان کرده است. اصولاً، بررسی و واکاوی بسیاری از موضوعات، بدون بهره‌گیری از روش‌های کیفی میسر نیست.

مفهوم‌شناسی بحث

۱. «روش»

روش به چارچوب عملیاتی یا اقدامات جستجوگرانه اشاره دارد، ابزار کار پژوهشگر نیست، تعیین کننده چارچوب کار تحقیقی است، اما ابزارهایی که مورد استفاده محقق قرار می‌گیرند «تکنیک» نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر، روش تحقیق به ارائه چارچوب کلی پرداخته و راهگشای محقق در طول تحقیق اعم از گردآوری داده‌ها، دسته‌بندی، تجزیه و تحلیل و حتی ارائه نتیجه تحقیق می‌باشد، اما تکنیک‌ها ابزارهایی هستند که محقق با به کارگیری آنها، اطلاعات مورد نیاز خود را گردآوری می‌کند. در واقع، روش، مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کنند (هالت، ۱۳۷۹، ص ۵) و یا روش عبارت از شیوه‌های درست انجام کار براساس اصول، قوانین و قواعد مشخص، و وسیله مناسب به صورت آگاهانه برای دستیابی به حقیقت است (میرزائی اهرنجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۰).

۲. روش کیفی

از نظر پاول «در صورتی که زمینه‌ای خاص در پژوهش تا آن حد شناخته شده باشد، امکان الگوسازی مقدماتی، تنظیم فرضیه یا ارائه نظریه در خصوص آن وجود داشته باشد، می‌توان از رویکرد اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) و روش کمیت‌پذیر از آن استفاده کرد. اما اگر اطلاعات موجود در یک زمینه خاص چنان اندک باشد که حتی تشخیص اینکه نادانسته‌ها کدام هستند خود مسئله‌ساز باشد، باید از رویکرد طبیعت‌گرایانه و روش‌های کیفی بهره جست» (پاول، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱).

در واقع، می‌توان گفت: پژوهش کیفی عبارت است از: مجموعه فعالیت‌هایی همچون مصاحبه، مشاهده، و.. که هر یک به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول، درباره موضوع تحقیق یاری می‌دهند. بدین ترتیب، از اطلاعات جمع‌آوری شده، توصیف‌های تحلیلی، ادراکی و طبقه‌بندی شده حاصل می‌شود. در این روش، دسترسی به اطلاعات یعنی زندگی کردن با مردم مورد پژوهش و

روزنامه‌نگاری، یا گزارش از یک مصاحبه و یا یک مقاله علمی پژوهشی. هر یک از اینها، نگارش و محتوای خاص خود را می‌طلبد. در مراکز علمی نیز بین مقاله، کتاب و رساله تفاوت وجود دارد: فرق اینها مانند ساختمان‌های مختلف است: این تفاوت‌ها، هم صوری است، هم محتوایی. اگر بخواهیم بین صورت و محتوا تفاوت قائل شویم، باید صورت در اولویت باشد. محتوای غنی و ناب و پرمایه را باید در شکل و قامت و قالب خوب، شکل و زیبا قرار داد. علاوه بر این، از چه ابزاری بهره‌گیریم تا کشف مجهول خود را، با دقت، سرعت و اطمینان کامل به دست آوریم. بدین‌سان، بهره‌گیری از متد خاص برای هر پژوهشی بایسته است.

با این حال، گاهی اقتضای تحقیقی، و به تناسب موضوع، روش کمی و در تحقیقی دیگر روش کیفی است؛ برخی موضوعات، ضرورتاً باید از روش کمی پژوهش بهره برد و در برخی دیگر، چاره‌ای جز بهره‌گیری از روش‌های کیفی نیست. انتخاب روش مناسب با موضوع، رمز و راز موفقیت محقق است. از آنجایی که بررسی‌های کیفی در بردارنده مفاهیم‌اند، بسیاری از مردم، به ویژه محققان مبتدی تصور می‌کنند که این روش آسانتر از روش کمی است. به خصوص اینکه روش کیفی نیاز به یادآوری فرمول‌های ریاضی و آمارهای پیچیده ندارد. اما در واقع، این صحیح نیست؛ تحقیقات کیفی، می‌تواند واقعاً دشوار باشد؛ زیرا مستلزم شرح موضوعات پیچیده‌ای است. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی طولانی‌تر است و محققان باید مهارت‌های تحلیلی خود را توسعه دهند (جی استریک، ۱۳۸۴، ص ۱۷). با این وجود، باید اذعان کرد که علوم انسانی در کشور ما، علومی وارداتی است، و سال‌ها و از بدو تولد تاکنون این علوم با رویکرد پوزیتیویستی یا اثبات‌گرایی و با روش تحقیقی خود، که رویکردی به غایت تنگ‌نظرانه و یک جانبه است، بر تاروپود جامعه تحقیق و علمی کشور ریشه دوانیده و همه جا را درنوردیده است، به‌گونه‌ای که سایه سنگین آن را در جامعه علمی و تحقیقی کشور، به خوبی مشاهده می‌کنیم.

یادآوری این نکته نیز ضروری است که یک سونگری و غفلت از روش‌های کیفی و تأکید افراطی بر روش‌های کمی و یا کیفی، مشکل آفرین است. به راستی مگر می‌توان تحقیقی را یافت که در آن کم و کیف، هر دو، نباشد. تنها در برخی پژوهش‌ها، براساس خواست پژوهشگر، که متأثر از خود تحقیق است، بیشتر به کمیت توجه می‌شود، اما در همان حال از کیف بی‌بهره نیست. در مقابل، در تحقیقات کیفی ناگزیر به مقادیر کمی هم باید توجه کرد. هگل در این زمینه می‌گوید: کم و کیف با هم هستند و در نهایت اندازه را می‌سازند (استیس، ۱۳۵۵، ص ۱۰۲). از این‌رو، غفلت از این موضوع محقق را به بیراهه سوق می‌دهد.

یادگیری فرهنگ آنها - از جمله مبانی ارزشی، عقیدتی و رفتاری - زبان و تلاش برای درک احساسی، انگیزش‌ها، و هیجان‌های آنها. محقق کیفی، رفتار اجتماعی را به این دلیل ادراک می‌کند که خود را به جای دیگران قرار می‌دهد (دلاور، ۱۳۷۴، ص ۲۵۵).

از نظر اشتراوس و کوربین پژوهش کیفی نوعی پژوهش است که یافته‌های آن، حاصل روش‌های آماری یا سایر شیوه‌های کمی سازی نیست (ر.ک: اشتروس و کوربین، ۱۹۹۸). برنز و گراو پژوهش کیفی را «روشی برای کسب معرفت از طریق کشف معانی پدیده‌ها می‌دانند که با استفاده از رویکرد کل‌نگرانه، موجب فهم عمیق پدیده‌های پیچیده می‌شود» (عابدی، ۱۳۸۵، ص ۶۴). از این رو، در مجموع پژوهش کیفی روش‌شناختی و فراگیری درباره تجربیات مختلف انسان‌ها از منظر خود آنهاست. مثلاً فرایند چرخه‌ای تحلیل سارانتاکوس، به عنوان یک روش تحلیل کیفی و مشتمل بر سه مرحله تقلیل داده‌ها، سازماندهی و تفسیر می‌تواند در پژوهش‌های کیفی مورد استفاده قرار گیرد (ر.ک: ترک‌زاده، ۱۳۸۸). اما از نظر نلسون و همکاران، پژوهش کیفی خود یک حوزه دانش و پژوهش بین‌رشته‌ای، فرابین‌رشته‌ای، و گاه ضد رشته‌ای است که می‌توان آن را در انواع رشته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و حتی برخی از علوم طبیعی به کار برد (ر.ک: شکاری و حسین‌پور، ۱۳۹۰).

روش پژوهش کیفی

پژوهش‌های کیفی، که بیشتر توصیف یک پدیده و آن هم از طریق مشاهده صورت می‌گیرد، معمولاً به صورت مطالعه موردی است. هدف مطالعات موردی، مشاهده تفصیلی ابعاد «مورد» تحت مطالعه و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا است. از این رو، مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرایندها و درک و تفسیر آنها انجام می‌شود (سرمد و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۸۹). اما روش‌های کمی به سبب اهدافشان، که تعمیم‌پذیری و شمول عام یافتن نتایج است، معمولاً از اعداد استفاده می‌کنند. عالی‌ترین نوع روش‌ها برای نیل به این هدف، پیمایش است. در مطالعات پیمایشی از ابزار پرسشنامه استفاده می‌شود. پرسشنامه‌ها، سئوالاتی را پیش روی پاسخگویان قرار می‌دهند و در مقابل اعدادی را به پژوهشگر تحویل می‌دهند و پژوهشگر متناسب با فرضیه‌های اولیه خود، داده‌ها را مقایسه و به نتایجی دست می‌یابد. در حالی که، روش‌های «کمی» با شمارش و اندازه‌گیری جنبه‌هایی از زندگی اجتماعی سروکار دارند، روش‌های «کیفی» بیشتر با تولید توصیف‌های استدلالی و کشف معناها و تغییرهای کنشگران اجتماعی سروکار دارند (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰). مراد از روش‌های کمی، آزمایش‌های تصادفی، شبه آزمایش، آزمون‌های «عینی» قلم و کاغذی، تحلیل‌های آماری چند متغیری، پیمایش‌های نمونه‌ای، و

اموری از این دست می‌باشد. در مقابل، روش‌های کیفی شامل قوم‌نگاری مطالعات موردی، مصاحبه‌های ژرف و مشاهده همراه با مشارکت می‌باشد (همان، ص ۳۰۲).

اما تحقیق کیفی عبارت است از: هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده‌اند. این شیوه ممکن است به تحقیق درباره زندگی افراد، شرح حال‌ها، منوگرافی‌ها، رفتارها و همچنین درباره کارکرد سازمانی جنبش‌های اجتماعی یا روابط بین‌الملل معطوف باشند؛ یعنی ممکن است داده‌ها به شیوه آماری کمی شده باشند، اما خود تجزیه و تحلیل به شکلی کیفی صورت گیرد (ر.ک: عارف، ۱۳۸۵، ص ۶۶). برخی محققان داده‌ها را از طریق مصاحبه یا مشاهده گردآوری می‌کنند. این فنون معمولاً با روش‌های کیفی همراه هستند. با این حال، آنها بعداً داده‌ها را به گونه‌ای کدگذاری می‌کنند که به آنان امکان تجزیه و تحلیل آماری را بدهد. آنها در اصل داده‌های کیفی را کمی می‌کنند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

ماهیت خلاق، انعطاف‌پذیر و بدون محدودیت تحقیق کیفی، به محقق این اجازه را نمی‌دهد که در گردآوری و تفسیر داده‌ها، با همان دقتی که در تحقیق کمی به کار می‌برد، عمل کند. در تحقیق کیفی، قواعد چندان مشخصی برای تعیین نحوه اجرای مناسب و مطلوب آن و تفسیر داده‌ها وجود ندارد. کتاب‌های مربوط به روش‌شناسی کیفی غالباً تحقیق کیفی را یک هنر یا نوعی جهت‌گیری فکری می‌دانند و اشاره می‌کنند که بهترین راه فراگرفتن و اجرای آنها، همان پرداختن به چندین تحقیق کیفی متفاوت است (ببی، ۱۳۸۸، ص ۶۲۴).

ویژگی پژوهش‌های کیفی

در پژوهش کیفی، پژوهشگر کمتر نگران آزمون فرضیه است. پژوهش کیفی اغلب از تبیین استقرایی بهره می‌جوید؛ یعنی از یک فرضیه ویژه شروع می‌کند و به جهان تجربی می‌نگرد تا مشاهده کند که اگر فرضیه با حقایق حمایت شود، شما می‌توانید جهان اجتماعی را به امتحان بگذارید (استریک، ۱۳۸۴، ص ۲۲). محققان کیفی گرا دارای ویژگی‌هایی هستند که تحقیقات کیفی را از تحقیقات کمی متمایز می‌کند. هر یک از این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. استفاده کنندگان از دیدگاه کنشگران اجتماعی: این موضع، در مقابل موضع اتخاذ شده از سوی پژوهشگران کمی قرار دارد که پژوهش را از دیدگاه خودشان نسبت به چیستی واقعیت اجتماعی انجام می‌دهند. این تفاوت تحت عناوینی همچون موضع «خودی» و «بیگانه»، یا رهیافت از «بالا به

او را از اتخاذ دیدگاه کنشگران بازمی‌دارد. در مقابل، این پژوهشگران بیشتر به پروراندن مفاهیم و نظریه‌ها در طول گراوری داده‌ها علاقمندند. اگر مفاهیم فنی از همان آغاز در پژوهش مورد استفاده قرار گیرند، صرفاً نقشی حساس‌ساز ایفا می‌کنند، یعنی به عنوان مرجع و راهنما و نه از پیش تعیین کننده پدیده مورد کاوش (همان، ص ۳۲۶).

قلمرو پژوهش کیفی

عموماً یافته‌های روش‌های تحقیق کیفی از طریق داده‌های کمی و آماری به دست نمی‌آید و بیشتر برای توصیف غیرکمی موقعیت‌ها، حوادث و گروه‌های کوچک اجتماعی، با توجه به جزئیات، و تلاش برای ارائه تعبیر و تفسیر معانی است که انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی و عادی به زندگی خود و حوادث می‌بخشند. از جمله مهم‌ترین قلمرو فعالیت‌های پژوهشی در حیطه روش تحقیق کیفی عبارتند از: (رک: همتی، ۱۳۸۷، ص ۵۶).

۱. **مطالعات موردی:** تحلیل عمیق، گسترده، ژرف و همه جانبه راجع به یک مورد، اعم از فرد، شهر، کشور، فرهنگ، گروه، نژاد، قوم و... در مطالعات موردی، معمولاً همه ابعاد و جوانب یک مورد خاص مورد مطالعه عمیق قرار گیرد. ابزار و فنون این نوع پژوهش، مصاحبه عمیق، بررسی اسناد، نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه و مشاهده همراه با مشارکت می‌باشد.

۲. **قوم‌نگاری، مردم‌نگاری و یا مشاهده همراه با مشارکت:** در قوم‌نگاری، مشاهده و مشارکت با سایر روش‌ها تلفیق شده‌اند و شامل مشارکت طولانی مدت محقق (پنهان یا آشکار) می‌شود و محقق حضور مستمر در میدان تحقیق داشته، گویا خود جزئی از همه جامعه آماری است. عموماً برای گردآوری اطلاعات، از استراتژی‌های انعطاف‌پذیر بهره گرفته، مشاهده همراه با مشارکت داشته، و برنگارش و گزارش تجربیات خود در میدان به صورت متمرکز فعالیت می‌کند.

۳. **تحلیل محتوا:** از جمله پرکاربردترین موضوعات مورد مطالعه است. اساساً روش‌های تحلیل محتوا و اسناد به منظور درک محتوای پیام، ویژگی‌های فرستنده پیام و اثر آن بر مخاطب صورت می‌گیرد. تحلیل محتوا از جمله روش‌های غیرمداخله‌ای است که به جای مشاهده مستقیم رفتار مخاطبان و پرسش از آنها، به ارتباطاتی که آنان بوجود آورده و پیام‌هایی که با یکدیگر مبادله کرده‌اند، توجه و آن را تحلیل می‌کنند. در واقع، هدف اصلی در این پژوهش، ارزیابی ویژگی‌های پیام، پدید آورنده پیام و مطالعه تأثیر پیام‌القاء شده بر مخاطب می‌باشد.

پایین» و «از پایین به بالا» و یا «آن طور که من ترجیح می‌دهم»، موضع «بالا» و «پایین» از هم تمییز داده شده است (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۴).

۲. **توصیف فربه:** دومین ویژگی پژوهش کیفی، اهمیتی است که به تولید توصیف‌های «فربه» از محیط‌های اجتماعی تحت مطالعه داده می‌شود. برخی پژوهشگران کیفی، این دیدگاه را دارند که توصیف همه کاری است که برای تأمین فهم هر جنبه‌ای از زندگی اجتماعی، امکان‌پذیر یا ضروری است. آنها توجه بسیاری به توصیف اموری می‌کنند که ممکن است ریزه‌کاری‌ها یا جزئیات بی‌اهمیت فعالیت اجتماعی به نظر آیند. چنین استدلال شده که ارائه و پس زمینه‌ای که کنش‌ها و تعامل‌ها را می‌توان در متن آن درک کرد، ضرورتی حتمی است. اما این توصیف می‌تواند تولید شرح و تعبیرهای رضایت بخش از برخی جنبه‌های زندگی اجتماعی را تسهیل کند (همان، ص ۳۲۵).

۳. **تمرکز بر فرایندهای اجتماعی:** به‌طورکلی، پژوهشگران کیفی دنیای اجتماعی را پویا و فرایندی می‌نگرند نه ایستا؛ امری که مربوط به پویایی‌های روابط اجتماعی کنشگران اجتماعی است، نه ویژگی‌های افراد و روابط میان مفاهیم انتزاعی. استدلال آنها این است که چون مشارکت کنندگان درگیر فرایند اجتماعی می‌شوند، پژوهشگرانی که می‌خواهند دیدگاه این افراد را به واقعیت اجتماعی بپذیرند، و دیدگاه افراد خودی و داخلی را بدست آورند، باید واقعیت اجتماعی را نیز به همان شیوه بنگرند (همان، ص ۳۲۶).

۴. **پذیرش رهیافت انعطاف‌پذیر:** استفاده از روش‌های کیفی اغلب با پذیرش رهیافتی ساخت‌نیافته و انعطاف‌پذیر در انجام پژوهش همراه است. عدم تمایل نسبت به تحمیل مفاهیم و روابط میان آنها بر هر بخش از دنیای اجتماعی، پیش از کاوش باز و آزاد در آن وجود دارد. برخی پژوهشگران کیفی ممکن است حتی بدون داشتن موضوع صریحاً فرمول‌بندی شده‌ای، یا بدون پرسش‌های پژوهش وارد میدان شوند و ترجیح دهند که موضوع و پرسش‌ها همراه با جلوتر رفتن کار میدانی پدید آیند. نیروی محرک این رهیافت، تاحدی اشتیاق به دیدن جهان از دریچه چشمان کنشگران اجتماعی است. همچنین این رهیافت مبتنی بر این دیدگاه است که پژوهشگر احتمالاً درک کافی از وضعیت ندارد و در طول فرایند مشاهده مشارکتی، یا روش‌های مشابه دیگر، موارد خلاف انتظار احتمالاً پیش خواهد آمد (همان، ص ۳۲۶).

۵. **پروراندن مفاهیم و نظریه:** پژوهشگران کیفی که با استراتژی پژوهش استقفا می‌کار می‌کنند، به این نکته توجه دارند که پذیرش پیشاپیش یک نظریه نه‌تنها پژوهشگر را محدود می‌کند، بلکه همچنین

هدفمند» نامیده‌اند؛ بدین معنی که محقق با هدف کسب اطلاعات درباره موضوعی خاص با مصاحبه شنونده صحبت می‌کند. این کار ممکن است به ظاهر ساده به نظر رسد، اما در اصل بسیار پیچیده و دارای تنوع فراوان است. چگونگی انجام مصاحبه و تصمیم‌گیری در این باره، بیش از آنچه که از مطالعه متون به دست آید، از تجربیات عملی در شرایط ملموس قابل حصول است. از سوی دیگر، محقق برای درک رفتار افراد و ارائه تحلیل مناسب از آن، باید ابتدا تعریف مصاحبه‌شنوندگان را از مقولات مختلف و شرایطی که در آن قرار دارند، بشناسد. این کار از طریق مصاحبه‌های عمیق تا حد زیادی امکان‌پذیر است (سرمدی و دیگران، ۱۳۷۶).

ج. مطالعه اسناد و مدارک

در این روش، استفاده از اسناد و مدارک را می‌توان به عنوان یک «روش مستقل» و یا به نوعی «استراتژی» مکمل سایر روش‌ها به کاربرد. اسناد شامل یادداشت‌ها، نامه‌ها، گزارش‌های موردی، اظهارنظرها، دفترچه‌های خاطرات و مانند آن اطلاق می‌شود (همان).

ب. روش‌های پژوهش کیفی

۱. روش و نظریه زمینه‌ای

از جمله روش‌های تحقیق کیفی، گراند تئوری و یا نظریه زمینه‌ای است. نظریه زمینه‌ای، یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به شکل نظام‌مند و براساس داده‌های واقعی تدوین می‌شود. این روش در مواردی کاربرد دارد که دانش ما در آن زمینه‌ها محدود است. استراوس و کوربین در سال ۱۹۹۴، در یک تعریف مشابه، گراند تئوری را این گونه تبیین کرده‌اند: نظریه زمینه‌ای، یک روش پژوهش عمومی برای تولید تئوری است. منظور از نظریه زمینه‌ای، نظریه برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرایند پژوهش، به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استخراج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر به جای اینکه مطالعه خود را با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه مطالعاتی خاص شروع کرده، اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. به عبارت دیگر، نظریه زمینه‌ای، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استخراج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. ویژگی روش‌های کیفی نظریه زمینه‌ای، عبارت است از: (ر.ک: منصوریان، ۱۳۸۶).

۴. تحلیل گفتمان: این عرصه نیز بسیار پرکاربرد است. شیوه سخن‌کاوی و تحلیل کلام با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی... تحلیل گفتمان به ساختارهای معناشناختی توجه دارد و فرض‌ها، ارتباطها، دلالت‌ها و راهبردها را روشن می‌سازد؛ قطعه زبانی، اعم از گفتاری و یا نوشتاری را چونان یک متن در نظر گرفته، برای تحلیل آن، به عوامل درون متن اکتفا نمی‌کند، بلکه با مطرح کردن تأثیر عوامل خارج از متن، به تأثیر و بازنمایی ساختارهای اجتماعی در متن مورد نظر می‌پردازد (ر.ک: حقیقت، ۱۳۸۱، ص ۳۳-۴۲).

تکنیک‌ها و روش‌های پژوهش کیفی

الف. تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات

از آنجایی که روش تحقیق کیفی به دنبال مطالعه کلی، مفهومی و تفسیر رفتار انسان‌ها به گونه‌ای طبیعی است که بدون دخالت و دخل و تصرف صورت می‌گیرد، روش آن باید به صورت نرم و انعطاف‌پذیر صورت گیرد. در این روش، برخلاف روش کمی که به صورت پرسشنامه و پیمایشی انجام می‌گیرد، محقق در ارتباط مستقیم با موضوع می‌باشد. فرایندی است که برای اکتشاف، توصیف و تبیین صورت می‌گیرد. در اینجا ابتدا تکنیک‌های روش‌های کیفی که عمدتاً مشاهده، مصاحبه و مطالعه اسنادی است، طرح و سپس روش‌های تحقیق کیفی، که عمدتاً زمینه‌ای، پدیدارشناسانه، نشانه‌شناسیانه و معناشناسانه است، مطرح خواهند شد.

الف. مشاهده

از تکنیک‌های مهم در تحقیق کیفی، «مشاهده» است که به دو صورت آشکار و پنهان صورت می‌گیرد. در صورت آشکار، ممکن است محقق خود نیز جزو جامعه آماری باشد که «مشارکت همراه با مشارکت» نام دارد. اما اگر محقق در بیرون نظاره‌گر رفتار کنشگران باشد، «مشاهده بدون مشارکت» نام دارد. در مشاهده همراه با مشارکت، محقق به صورت مداخله‌آمیز در میدان تحقیق وارد شده، و با سایر کنشگران وارد تعامل می‌شود، اما در مشاهده بدون مشارکت، محقق از مداخله در میدان اجتناب کرده، صرفاً جریان وقایع را پی‌جویی می‌کند.

ب. مصاحبه

از آنجایی که مصاحبه، عام‌ترین روش گردآوری اطلاعات در تحقیق کیفی است، اغلب این نوع تحقیقات را اصطلاحاً «روش‌های تحقیق مصاحبه‌ای» نامیده‌اند. مصاحبه را «گفت‌وگو یا گفت و شنود

می‌توان گفت: نشانه‌ها حامل بی‌نهایت معنا هستند، و دریچه آنان به روی تفسیرهای گوناگون گشوده است. نشانه‌شناسی به ما یاری می‌رساند تا به گنجینه‌های فرهنگی، پدیده‌های ایدئولوژیکی و معرفتی و رمزگان اجتماعی‌ای که به‌طور موقت معنای را برای مقاصد خاص تفسیر و تثبیت کرده‌اند، رهنمون شویم، و رمز و راز چگونگی تثبیت یک «تفسیر» بر ما مکشوف شود (تاجیک، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

۳. روش پدیدارشناختی

این روش، بیشتر روشی کیفی است و بر خلاف روش‌های کمی، نمی‌توان آن را چندان در فضای کمی و آماری ارائه داد. علاوه بر این، رهیافت‌های پدیدارشناسان آنقدر متفاوت و متنوع است که نمی‌توان همه را در یک الگوی واحد جمع کرد. براین اساس، امروزه سخن از روش‌های پدیدارشناسی مطرح است. در اصطلاح معرفت‌شناسی و فلسفی، مقصود از واژه «پدیدارشناسی»، مکتب و روشی است که توسط ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) پایه‌گذاری شده است و در پی پژوهش و آگاهی مستقیم نسبت به تجربیات و مشاهدات است. به عبارت دیگر، نسبت به پدیدارهایی است که بی‌واسطه در تجربه ما ظاهر می‌شوند.

کانت با طرح «پدیدار» در مقابل «شیء فی نفسه»، می‌خواهد بین آنچه بی‌واسطه تجربه می‌شود و آنچه در واقع موجود است، اما به تجربه در نمی‌آید، جدایی افکند. به این ترتیب، ظاهراً ناخواسته به یک رهیافت نیمه شکاکانه منجر می‌شود. اما هوسرل، مشکل فلسفه را در همین تمایز وجدایی و دوگانگی می‌داند؛ زیرا تمایز میان پدیدار (نومن) و واقع (نومن) وقتی است که ما به تجربیات خود شک می‌کنیم. پس هوسرل برعکس کانت، با در پراتز نهادن عامل واقع (نومن) و به تعبیری، با مسکوت گذاشتن آن، می‌خواهد از راه شناخت پدیدارها به یک یقین کامل و تردیدناپذیر دست یابد (بیات و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۷۴).

محقق پدیدارشناس می‌کوشد تا ساختارهای ماهوی یا ذاتی این پدیدارها را توصیف کند تا خود را از پیش‌فرض‌ها و تبیین‌ها آزاد کند و روشی برای توصیف پدیدارها و شیوه‌ای برای شهود معانی ذاتی تدارک ببیند. پدیدارشناسی، افزون بر حوزه معرفت‌شناسی و فلسفه، در حوزه‌هایی مانند دین، اخلاق، تاریخ، نقد ادبی، حقوق، هنر و جامعه‌شناسی نیز کاربرد پیدا کرده است. جالب اینکه در علوم، به‌ویژه فیزیک، دانشمندان معمولاً از اصطلاح پدیدارشناسی، مقصودشان «برداشت توصیفی» و شناخت و توضیح چگونگی‌هاست، نه «برداشت تبیینی» و بیان چرایی‌ها (همان، ص ۳-۷۲). از این‌رو، پدیدارشناسی، در زمره روش توصیف و تبیین کیفی قرار می‌گیرد.

۱. پژوهشگر را قادر به توضیح و تشریح موضوع مورد مطالعه ساخته، و امکان پیش‌بینی رخدادهای ممکن در زمینه تحقیق را فراهم می‌سازد.
۲. محقق در پیشرفت مبانی نظری موضوع مورد مطالعه مؤثر بوده و در آن مشارکت دارد.
۳. رویکرد تازه‌ای به موضوع مورد مطالعه فراهم آورده، پژوهشگر را به مرحله‌ای از شناخت نسبت به داده رسانده، بتواند به داده گردآوری شده معنا و مفهوم ببخشد.
۴. در روش زمینه‌ای، منابع داده‌ها از طریق مصاحبه، مشاهدات میدانی، اسناد و مدارکی مانند دفترهای یادداشت و خاطرات، زندگینامه‌ها، منابع تاریخی، روزنامه‌ها، نوارهای ویدیویی و صوتی و... به دست می‌آید.
۵. پژوهشگران کیفی، مسئولیت و نقشی را که در تفسیر داده‌ها بر عهده دارند، به خوبی پذیرفته، تنها به گزارش و بیان دیدگاه‌های افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها اکتفا نمی‌کنند، بلکه مسئولیت تفسیر دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌های خود را نیز بر عهده می‌گیرند (<http://searches.blogfa.com/post-98.aspx>).

۲. روش نشانه‌شناسی

۱. نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساخت‌مند و در جستجوی معناهای پنهان و ضمنی است؛
 ۲. مطالعات نشانه‌شناختی بر نظام قواعدی تمرکز دارد که بر گفتمان‌های درگیر در متون حاکم هستند و بر نقش بافت نشانه‌شناختی در شکل‌دهی معنا تأکید می‌کند؛
 ۳. نشانه‌شناسی به ما می‌آموزد چگونه معانی به وسیله متون و از طریق چینی‌سازی خاص از نشانه‌ها و رمزگان فرهنگی تولید می‌شوند؛
 ۴. نشانه‌ها تنها به صورت اصطلاحات نمادین نیستند، بلکه نمادهای گویایی نیز هستند که به عنوان ابزاری برای تسهیل فرایندهای اجتماعی به کار برده می‌شوند. نشانه‌ها درحقیقت، ابزار نشانه‌ای هستند که جایگزین محیط تقابل اجتماعی می‌شوند؛
 ۵. نشانه به دلیل اختیاری بودن، سوژه‌ای تاریخی است و ترکیب دال و مدلولی خاص در برهه‌ای مشخص، نتیجه تصادفی فرایندی تاریخی است. نشانه‌ها در خلال نوعی توالی مبتنی بر قراردادهای فرهنگی کاربردشان و در شرایطی خاص، خلق می‌شوند.
- نشانه‌شناسی می‌تواند به مثابه یک روش برای شناخت چگونگی معنادار شدن جهان سیاست و چگونگی تثبیت تصورات و ذهنیت ما درباره امور و پدیدارهای سیاسی تعریف شود. به عبارت دیگر،

۴. روش معناشناسی

مراد از معناشناسی، مفردات و واژگان کلمات در دو حوزه تاریخی و توصیفی است. بنابراین، معناشناسی به دو روش تاریخی و توصیفی صورت می‌گیرد. مراد از «معناشناسی تاریخی»، شناخت معنای اولیه و معانی بعدی واژگان در طول تاریخ حیات لغت است. در معناشناسی تاریخی، باید به دو سؤال اصلی پاسخ داد: ۱. لغت چگونه پدید آمده است؟ ۲. لغت چه تطورات معنایی در طول تاریخ خود پیدا کرده است؟ یک لغت حسب مورد، به یکی از این اشکال پدید می‌آید: ۱. وضع؛ ۲. اشتقاق؛ ۳. ترکیب؛ ۴. اقتباس. همچنین یک لغت به یکی از این اشکال تطور معنایی پیدا می‌کند: ۱. توسعه معنای؛ ۲. تعدد معنایی؛ ۳. تجوز معنایی؛ ۴. مهجوریت معنایی.

معناشناسی تاریخی نیز به دو شیوه قیاسی و استقرایی صورت می‌گیرد. مراد از «معناشناسی قیاسی»، عرضه موارد استعمال لغت و مشتقات آن بر قواعد حاکم بر رشد زبان‌آموزی کودک است. مراد از «معناشناسی استقرایی» این است که متونی که لغت در آن به کار رفته، به ترتیب تاریخی یعنی تاریخ تدوین یا تاریخ مؤلف مرتب شود (رک: مصالحي پور و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

مراد از «معناشناسی توصیفی»، شناخت معنای اصلی، یعنی مراد متکلم و نیز معانی هاله‌ای آن است. بنابراین، دو سؤال مهم در اینجا مطرح می‌شود: ۱. مراد متکلم از لفظ در جمله‌ای که در آن به کار رفته چیست؟ ۲. هنگام استعمال آن لفظ، چه مفاهیمی به ذهن مخاطب متبادر می‌شود؟ برای شناخت معنای اصلی یا مراد متکلم، باید به قرائن کلام توجه کرد. این قرائن دو نوع‌اند: قرائن لفظی و قرائن معنوی. برای شناخت معنای هاله‌ای باید به ترتیب به این سؤالات پاسخ داد: ۱. لغت مورد بررسی چه مشتقاتی دارد؟ ۲. هر مشتق آن به چه وجوهی از معانی به کار رفته است؟ ۳. حوزه معناشناختی هر وجه معنایی چیست؟ ۴. مفاهیمی که در لغت مورد بحث اسناد داده شده، چیست؟ معناشناسی، توصیفی و تاریخی با قلمرو آن، در حوزه روش تحلیل کیفی قرار می‌گیرد.

۵. روش تحلیل محتوای

برخی پژوهش‌ها از جمله از نوع تحلیل محتوا، معمولاً به دو روش تحلیل محتوای کمی و کیفی صورت می‌گیرد و محقق باید براساس طرح موضوع و با توجه به نوع استفاده از تحلیل محتوا و روش به‌کارگیری آن، از این دو نوع روش سود ببرد تا بتواند از سردرگمی و ابهام کاربرد میان دو روش دوری گزیند.

با این وجود، برخی پیش‌فرض‌های تحلیل محتوای کیفی عبارتند از:

۱. محققان کیفی بیشتر به فرایند می‌پردازند تا به پیامدها یا فرآورده‌ها؛
 ۲. محققان کیفی علاقه‌مند به معنابخشی هستند، اینکه چگونه افراد به زندگی، تجربیات و ساختارهای جهان اجتماعی معنا می‌دهند.
 ۳. محقق کیفی، خود ابزار اصلی گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها است. داده‌ها به وسیله همین ابزار انسانی (محقق) گردآوری می‌شود.
 ۴. تحقیق کیفی مستلزم کار میدانی است، محقق مستقیماً با افراد مورد بررسی، ارتباط برقرار کرده و عملاً در محیط حضور می‌یابد تا در محیطی طبیعی به مشاهده و ثبت رفتار بپردازد.
 ۵. تحقیق کیفی جنبه توصیفی داشته و محقق به فرایند معنا، درک و فهمی که از طریق کلمات یا تصاویر به دست می‌آید، علاقه‌مند است.
 ۶. فرایند تحقیق کیفی جنبه استقرایی داشته و از داده‌ها و جزئیات آغاز کرده، سپس به ساختن مفاهیم، فرضیه‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد (رک: جان، بی تا، ص ۱۴۵).
- اما مهم‌ترین شیوه‌های کیفی تحلیل محتوا عبارتند از:
۱. تحلیل ارزشیابی: در این روش، هدف این است که با تحلیل کیفی متن، بتوان به نوع گرایش و ارزش‌گذاری‌های صاحب اثر و متن پی برد. فرایند این روش عبارت است از: تحلیل محتوای متن؛ تعیین جهت بار ارزش آنها؛ و تعیین شدت بار ارزشی.
 ۲. روش تحلیل احتمال وقوع: هدف از تحلیل احتمال وقوع، سنجش گرایش بیان شده در یک متن است. برای نمونه، از چه واژگان با بار ارزشی مثبت و یا منفی و یا خنثی بهره برده است.
 ۳. ارسال محرک و تحلیل عکس‌العمل: تحلیلگر به سوی تحلیل شونده سؤال، تمجید و... می‌فرستد و عکس‌العمل فرد را بررسی می‌کند و یا تحلیل‌گر، به‌طور غیرمستقیم محرک‌های نامحسوس می‌فرستد و منتظر عکس‌العمل مخاطب می‌ماند. سرانجام محقق این عکس‌العمل‌ها را تحلیل و تفسیر می‌کند.
 ۴. تحلیل بیان و صوت و یا تصویر: با تحلیل سخنرانی یک سیاستمدار، یا یک فرد مهم از نظر اجتماعی و با دقت در بیان، گفتار و لحن وی، می‌توان پی برد که از چه موضوعات و مطالبی هیجان زده، خوشحال، غمگین یا عصبانی بوده است. در این شیوه، خط مشی سیاسی، و فکری فرد مشخص می‌شود. همچنین با ردیابی لرزش دست، تغییر رنگ چهره، نفس کشیدن، جابجایی، اخم کردن، تیک‌های روانی و پرش بخشی از عضلات و... و در نتیجه، موضع و گرایش مثبت و یا منفی فرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و نقد و بررسی

نوع و روش پژوهش، با توجه به نوع نگرش محقق، نوع موضوع، و اهداف وی می‌تواند متفاوت باشد. این مقال، به پژوهش کیفی می‌پردازد. محقق پیش از هر چیز، باید جنبه‌هایی از پژوهش را تعیین کند. این جنبه‌ها عبارتند از:

۱. پارادایم‌ها: رهیافت‌ها یا دیدگاه‌هایی که مفروضات هستی‌شناختی و روش‌شناختی متفاوتی دارند.

۲. روش‌ها: شامل فنون گردآوری و تحلیل داده‌ها است.

۳. پژوهش: یکی از دو روش کمی و یا کیفی در آن به کار می‌رود.

۴. داده‌ها: توسط یکی از این دو روش تولید می‌شود.

بنابراین، باید توجه داشت که «پارادایم» در روش‌های کیفی، ذهنی‌گرا، تفسیری و انتقادی است. «روش»، در روش‌های کیفی، مطالعات میدانی و گاهی هم آزمایش می‌باشد. اما «تکنیک» در روش‌های کیفی، مشاهده، مصاحبه، و مطالعه اسناد، مدارک و روش در پژوهش‌های کیفی، بیشتر زمینه‌ای، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، معناشناسی، و تحلیل محتوا است.

با این حال، روش‌های کیفی را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

۱. در روش کیفی، امکان تفکیک میان مرحله گردآوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها وجود ندارد. از این‌رو، پژوهشگر همواره دست به تحلیل داده‌ها می‌زند و با افزایش اطلاعات جدید، تحلیل‌های پیشین خود را عمق بخشیده، غنی‌تر ساخته، و یا در آنها تجدید نظر می‌کند.

۲. در تحلیل‌های کیفی محقق معمولاً به سادگی دست به نوآوری و ابداع می‌زند و از شیوه‌ای بهره می‌گیرد که در تحلیل داده‌های خود راحت‌تر سود جوید. هرچند این بدان معنا نیست که قواعد کلی بر فرایند تحقیق را نادیده بگیرند (سیدامامی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۱).

۳. در روش کیفی، معمولاً محققان پژوهش را با فرضیه یا پیش‌بینی‌های از قبل تعریف شده آغاز نمی‌کنند، بلکه فرضیه‌های تحقیق معمولاً در حین جمع‌آوری اطلاعات صورت‌بندی و تبیین می‌شوند. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که محققان تحقیقات کیفی، اعتقادی بر عام بودن پدیده‌ها در شرایط مختلف ندارند.

۴. برخلاف تحقیقات کمی، که پیش از ورود به مرحله گردآوری داده، متغیرها تعریف می‌شوند، در پژوهش‌های کیفی، سازه‌ها یا متغیرها دارای تعاریف متعددی هستند که با توجه به موقعیت و شرایط گوناگون، تعاریف متفاوتی دارند؛ یعنی تعریف هر متغیر از یک موقعیت، ممکن است نسبت به موقعیت دیگر متفاوت باشد.

۵. در تحقیقات کیفی، طرح تحقیق از پیش تعیین شده و استاندارد برای تحقیق وجود ندارد. در هر مرحله از تحقیق، مطابق آنچه رخ داده، مرحله بعد تعیین می‌شود. محققان پژوهش‌های کیفی معتقدند که آغاز نمودن تحقیق با یک طرح از پیش تعریف شده، این امکان را برای محقق فراهم می‌آورد که متغیرهای پیش‌بینی نشده را در هر مرحله از تحقیق، که ضرورت آنها را احساس کند، وارد طرح نماید.

۶. در روش‌های کمی، محقق به دلیل حجم گسترده افراد یا پدیده مورد بررسی خود، به گردآوری اطلاعات نمی‌پردازد، بلکه می‌تواند با به کارگیری افراد دیگر و یا تلفن یا پرسشنامه پستی، داده‌های خود را گردآوری می‌کند. اما در روش کیفی، که بیشتر به صورت مصاحبه و مشاهده است، اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق ارتباط مستقیم بین پرسشگر یا محقق با پاسخگو گردآوری می‌شود. در واقع، مصاحبه یک مکالمه دوطرفه است که با طرح سؤال مصاحبه‌گر به منظور کسب اطلاعات مربوط به تحقیق آغاز می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۹۹).

۷. برخلاف تحقیقات کمی، که تعمیم دادن نتایج تحقیق به سایر جوامع مشابه است، در تحقیقات کیفی، نمونه‌گیری جنبه قضاوتی دارد؛ چرا که اعتقاد بر این است که هر فرد آزمودنی، ویژگی‌های خاص خود را دارد و اگر هدف بررسی آن ویژگی‌ها باشد، از طریق نمونه‌گیری تصادفی نمی‌توان چنین افرادی را انتخاب نمود.

۸. روش‌های تحلیل کیفی از جهت میزان تلاش برای «حفظ یکپارچگی پدیده مورد مطالعه» با یکدیگر تفاوت دارند؛ یعنی از این جهت که پژوهشگر تا چه حد به زبان و مفاهیم و معانی کنشگران اجتماعی وفادار می‌ماند، نه اینکه مفاهیم و مقوله‌های خود را بر تعابیر عامیانه تحمیل کند (بلیکی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۲).

۹. در نتایج یک پژوهش کیفی، کمتر از ارقام و داده‌ها استفاده می‌شود، نتایج حاصل بیشتر در قالب شرح وقایع و توصیفات بیان می‌شود. اما در تحقیقات کمی از جداول، نمودارها، خروجی‌های آماری و رایانه‌ای استفاده می‌شود.

۱۰. پژوهشگران کیفی درباره‌ی نیاز به محرز ساختن اصالت یافته‌های خود اجماع ندارند. برخی معتقدند که پژوهشگران تعابیر منحصر به فرد خود را تولید می‌کنند و تأیید و تکرار غیرممکن است. اگر این کار به صورت حرفه‌ای عمل شده و تبیین شده باشد که چگونه پژوهش انجام یافته است، باید به تعابیر آنها اعتماد کرد. اما سایر پژوهشگران کیفی معتقدند که کنشگران اجتماعی مورد نظر، باید همه تعابیری را که پژوهشگر از زندگی اجتماعی آنها ارائه می‌دهد،

تأیید کنند. به عبارت دیگر، تعبیر پژوهشگر، باید تناظر نزدیک با تعبیر کنشگران اجتماعی داشته باشد (همان، ص ۳۲۰).

۱۱. هر چند به کارگیری روش‌های کیفی در مقابل روش‌های کمی، به سبب اعتبار و منطقی بودن آن است، اما مسئله تعمیم دهی موضوعی است که برخی پژوهشگران را نسبت به آن دلسرد کرده است. مسئله تعمیم در پژوهش کیفی، دو جنبه دارد: نخست، نمونه‌گیری احتمالی و تصادفی در این پژوهش‌ها کمتر کاربرد دارد و معمول نیست. دوم، داده‌های کیفی پذیرای آن قسم تعمیم که در پژوهش کمی رواج دارد، مثل فنون آماری مبتنی بر نظریه احتمالات، نیستند (همان، ص ۳۲۸).

۱۲. موضوع تحقیقاتی که دارای ویژگی‌های زیر باشند، باید از روش کیفی پژوهش بهره گیرند: تأکید بر توصیف و تفسیر، تأکید بر استقراء (انعطاف‌پذیر بودن فرضیه)، ژرفانگر، یافته‌های غیرقابل تعمیم، متکی بر دیدگاه‌های هرمنوتیکی و تفسیری، متناسب با جامعه‌شناسی خرد، نمونه‌گیری تاحد رسیدن به اشباع نظری، انتخاب نمونه به شکل هدفمند.

۱۳. در تحقیق کیفی، مشاهده مهم است، کشف و اکتشاف مطرح است، پژوهش نه در محیط آزمایش و کتابخانه، بلکه در محیط طبیعی صورت می‌گیرد و با جامعه آماری درگیر است. سخن از مباحثه و مذاکره است و به دنبال فهم عمیق و تفهم است. به دنبال آگاهی، تفهم و فهم نیت کنشگر به صورت همدلانه است. چون روش کیفی با ذهن فرد سرکار دارد، روایی و پایایی در آن مطرح نیست. بنابراین، در روش کیفی مشکل در دو چیز است: ۱. پایایی (Reliability)؛ یعنی اینکه پاسخ پرسش‌های تحقیق پایدار باشد. ۲. روایی (Validity) اینکه وسیله اندازه‌گیری مناسب و روا باشد.

۱۴. هر چند پژوهش‌های کیفی برخوردار از این نقاط قوت هستند: ۱. به علت حضور مستقیم محقق، وی به نگرش یک فرد در مورد مسئله دست می‌یابد. این امر به محقق این امکان را می‌دهد که مسائل گمشده را راحت‌تر بیابد؛ ۲. توصیفات کیفی نقش مهمی در امکان پیش‌بینی روابط، علت‌ها، تأثیرات و فرایندهای پویا ایفا کنند؛ ۳. محقق کیفی همه وجود خود را وقف تحلیل اجتماعی می‌کند. اما نمی‌توان از برخی کاستی‌ها و نقاط ضعف آنها چشم‌پوشی کرد: ۱. میدان، جایگاه‌ها، رخدادهای، شرایط و تعاملات نمی‌توانند همواره تکرار شوند و نه می‌توانند با همان اطمینان یک پژوهش در سطح گسترده‌تر عمومیت یابند؛ ۲. گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها، بسیار زمان‌بر است؛ ۳. گمنامی و جلب اعتماد هنگام گزینش یافته‌ها، مسائلی را بوجود می‌آورد؛ ۴. حضور محقق تأثیر عمیقی بر موضوعات مورد مطالعه می‌گذارد (ر.ک: هاکر، ۲۰۰۶).

۱۵. از جمله اشکالات مطرح در روش‌های کیفی، دلخواهی و نیز تفسیرپذیری بودن بیش از اندازه این گونه روش‌ها است. عموماً نتایج این روش‌های را نمی‌توان تعمیم داد. اما پاسخی که طرفداران این روش می‌دهند این است که هر چند واحدهای انتخاب شده براساس عملی دلخواهانه انجام گرفته‌اند، اما این امر دارای منطقی خاص خود است که بر گویا بودن نمونه‌ها تأکید می‌کند: به همین دلیل، پژوهشگر مسلماً باید در روش کیفی، در انتخاب نمونه‌ها، اصول علمی را رعایت نماید. اگر نمونه‌ها، براساس روش‌های صرفاً تصادفی انجام شود، اعتبار خود را از دست می‌دهد: اما در نمونه‌گیری کیفی، اتفاق کاملاً بی‌ربط است. در نمونه‌گیری کیفی، باید نمونه‌گویی معدل و میانگین شرایط همه نمونه‌ها باشد.

۱۶. روش کیفی، علی‌رغم نقاط ضعف، تنها روش منحصر به فرد و مورد تیز در بسیاری از تحقیقات است؛ روشی است که محقق به شدت درگیر جامعه آماری است. محقق خود وارد گود است و از نزدیک همه وقایع را مشاهده می‌کند، محقق جدا از متن (context) نیست. از این‌رو، روش کیفی، در نتیجه ناکارآمدی روش کمی بوجود آمده است و تلاش دارد به‌طور عمیق‌تر و ژرف‌نگرانه، پدیده‌ها را مطالعه کند. باید در این روش، از چهاردیواری تنگ ذهن و کتابخانه خارج و وارد عرصه جامعه شد. در این روش، تعامل، کنش متقابل و تفکر انتقادی دارای اهمیت است. از این‌رو، محقق در روش کیفی، کاشف، ارزشگر، درون‌نگر، فعال، خلاق و ذهن‌خوان است؛ یعنی به‌گونه‌ای وارد ذهن طرف مقابل می‌شود، گویا اینکه مثل او فکر می‌کند.

منابع

- استراس، آنسلم، کوربین، جولیت، ۱۳۸۵، *اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبانی)*، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- استریک، کریستین، جی، ۱۳۸۴، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*، یزد، دانشگاه یزد.
- استیس، و.ت، ۱۳۵۵، *فلسفه هگل*، ترجمه حمید عنایت، تهران، جیبی با همکاری فرانکلین.
- بی، ارل، ۱۳۸۸، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، انتشارات سمت، تهران
- بلیکی، نورمن، ۱۳۸۴، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نی، تهران
- بیات، عبدالرسول، و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، *فرهنگ واژه‌ها*، قم، موسسه اندیشه و فرهنگ دینی،
- پاول، رونالد، ۱۳۷۹، *روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران*، ترجمه نجلا حریری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
- تاجیک، محمدرضا، «نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۹، ص ۳۹۷.
- ترک‌زاده، جعفر، ۱۳۸۸، «روش پژوهش فرایند چرخه‌ای تحلیل، روشی برای گردآوری، تحلیل و استنتاج از...»، *حوزه و دانشگاه (روش‌شناسی علوم انسانی)*، به زبان فارسی، انگلیسی، سال پانزدهم، ش ۶۱، زمستان.
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۷، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، انتشارات سمت، تهران
- حقیقت، سیدصادق، ۱۳۸۱، *بر حاشیه روش تحقیق در علوم سیاسی*، دانش پژوهان، ش ۱، ص ۳۳-۴۲
- خنیفر، حسین، و دیگران، ۱۳۹۰، *بررسی جایگاه پژوهش‌های کیفی در روش‌شناسی علوم انسانی*، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان، صفحه ۷۵ - ۹۲
- سرمد، زهره، ۱۳۸۲، ترجمه بازرگان، عباس، حجازی، الهه، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه
- سرمدی، زهره و دیگران، ۱۳۷۶، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- سیدامامی، کاووس، ۱۳۸۷، *پژوهش در علوم سیاسی*، رویکردهای اثبات گرا، تفسیری و انتقادی، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- شکاری، عباس و محمد حسین پور، ۱۳۹۰، «تقابل رویکردهای معرفت‌شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم انسانی و طبیعی: با تأکید بر رویکرد معرفت‌شناسی تلفیقی»، *پژوهش*، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۵۹-۷۴.
- عابدی، حیدرعلی، ۱۳۸۵، «تحقیقات کیفی»، *حوزه و دانشگاه*، سال دوازدهم، ش ۴۷، تابستان، ص ۶۲-۷۹.
- فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۸۵، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم رضوی ع.
- مصلاهی پور یزدی، عباس، و مروت محمدی، ۱۳۹۰، *معناشناسی زهد در نهج البلاغه براساس روش معناشناسی ایزوتسو*، مطالعات قرآن و حدیث. سال چهارم، ش ۲، ص ۹۷-۱۲۷.
- منصوریان، یزدان، ۱۳۸۶، *گراندتئوری، نظریه سازی استقرایی براساس داده‌های واقعی، فصلنامه پژوهشی در مسائل*

تعلیم و تربیت، (زیر چاپ)

میرزائی اهرنجانی، حسن، ۱۳۸۵، *زمینه‌های روش شناختی تئوری سازمان*، تهران، سمت

هالت، کریستین. ای، ۱۳۷۹، *پژوهش و پژوهش‌نامه نویسی*، ترجمه خلیل میرزایی و مالک میرهاشمی و حمیدرضا

فاطمی پور، تهران، نشر روش

همان، ۱۳۸۴، *گوناگونی روش شناختی در علوم اجتماعی و ضرورت عنایت به آن در طراحی و ارزیابی پروژه‌های*

پژوهشی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال بیستم، ش ۵-۶،

همتی، رضا، ۱۳۸۷، *ترکیب روش‌های کمی و کیفی، توهم یا واقعیت؛ علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)*، بهار

۱۳۸۷، ش ۴۰، ص ۵۳-۸۸

Hughes Christina; Quantitative and Qualitative Approaches.the university of Warwick; 2006:

John, W. Cresswell, *Research Design:Qualitative and Quantative Approaches.Sage Publications*, p. 145.

L.T. Carr,. "The Strengths and Weakness of Quantitative and Qualitative Research: What Method for Nursing?" *Journal of Advanced Nursing*, v.20, P. 716-721.

Strauss, A. & J. Corbine, Basics of Qualitative research techniques for developing grounded theory, thousand Oaks, CA: sage.

1998 <http://searches.blogfa.com/post-98.aspx>

